

همنشینی با دوستان خدا

مرحوم سید محمد باقر طباطبایی

«واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هواه وكان امره فرطاً»

«با صبر و شکیبایی خود را با کسانی که صبحگاهان و شامگان پروردگارشان را می‌خوانند و رضای او را می‌خواهند و دو چشم از آنها برمگیر بخاطر آنکه آرایش و زینت زندگی دنیا را بخواهی و از کسانی که دل آنها را از یاد خود غافل کردیم و پیرو هوای نفس خود هستند و کارشان براساس افراط‌گری است اطاعت مکن.»
(سوره کهف، آیه ۲۸)

نکاتی که از این آیه شریفه استفاده می‌شود این است گروهی با صدق نیت به پیامبر گرامی گرویدند و صبح و شام به طور مستمر پروردگارشان را خوانده و طالب رضا و رحمت آفریدگار جهان و بندگی خدای سبحان بودند. از سوی دیگر هم افرادی افرادگر و اسراف کار و هوس‌ران که بر اثر طغیان گری‌هایشان خدا آن‌ها را از یاد خود غافل ساخته بود نزد پیامبر رفت و آمد می‌کردند و از پیامبر می‌خواستند که آن گروه اول را تنها به جرم اینکه از نظر مالی فقیرند



از خود دور کند و به ثروتمندان سرشناس بپیوندد. نزد پیامبر بود، عینیه گفت: یا محمد هنگامی که در آیه شریفه خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که شکیبایی خود را با آنها حفظ کن که صبح و شب خدا را می‌خوانند و جز رضای او چیزی طلب نمی‌کنند و از آنها چشم‌پوشان و از گروه دوم که مشتی تبهکار و هوسران و غافل از یاد خدا هستند فرمان مبر و در آیه ۵۲ سوره انعام فرمود:

اگر گروه نخست را که همواره صبح و شام خدا

را می‌خوانند از خود طرد کردی در این هنگام از ظالمین می‌باشی.

پیامبر گرامی هرگز به فکر معاشرت با سرمایه داران دنیا طلب نبود و با افرادی که از نظر مادی در حد پایین بودند ولی از نظر ایمان و معنویت در سطح عالی بودند همچون سلمان، عمار و بلال و ابوذر و... بسیار مهربان و صمیمی بود او در میان یاران خود

چنان می‌زیست که گویی او هم یکی از آنهاست با اینکه او پیامبری بود که از جمیع پیامبران مرسل افضل بود. گویند او در جمع اصحاب خود آن چنان بی‌تکلف بود که چون شخصی از بیرون به مجلس

پیامبر(ص) وارد می‌شد او را نمی‌شناخت زیرا به طور دایره وار نشسته بودند و شخص تازه وارد نمی‌فهمید که گل سر سبد این مجموعه یعنی محمد کدام است.

از ابن عباس روایت کرده‌اند که این قسمت از آیه شریفه «**وَلَا تَطْعَمُنَا مِنْ غَلَّتْ قَلْبُهُ عَنِ ذِكْرِنَا**» درباره امیه بن خلف الجمعی نازل شد که به رسول خدا گفت: فقرا را از نزد خود بیرون کن و با صناید اهل مکه معاشرت کن و به روایت دیگر عینیّه بن حصین بر رسول خدا وارد شد در حالتی که سلمان

نزد پیامبر بود، عینیه گفت: یا محمد هنگامی که نزد تو می‌آییم باید این مرد را بیرون کنی سپس این آیه نازل شد.

پیامبر اکرم هیچگاه کسی را به خاطر ثروت و شهرتش بر دیگران متقدم نمی‌دانست و با بردگان و خاک‌نشینان معاشرت کرد تا دیگران هم به او اقتدا کنند.

این سخن گهربار از اوست:

تا دم مرگ از پنج کار دست نخواهم کشید: غذا خوردن روی زمین با غلامان، دو ترکه سوار الاغ شدن (که نشانه کمال تواضع است) دوشیدن بز به دست خود، پوشیدن پشم (لباس پشمی در آن زمان خشن ترین لباس‌ها بوده) و سلام به کودکان (این کارها را ترک نخواهم کرد) تا بعد از من روش و سنتی باشد.

و خدایش فرمود: «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**» برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست. (سوره احزاب آیه ۲۱)

از این رو ما حق نداریم به ثروتمندان به خاطر مال و دارایی آنها احترام گذاریم و نیز حق نداریم که به فقرای متدین به چشم حقارت بنگریم و به خاطر فقرشان در زندگی، با آنها قطع ارتباط کنیم.

دوستی و رفاقت ما با افراد باید براساس ارتباط آنها با خدا باشد. همان گونه که روش رسول خدا بود. آن گرامی فرمود: حواریون به عیسی بن مریم گفتند با چه کس ما در این هنگام همنشین باشیم فرمود با کسی که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر عمل شما بیفزاید و عملش شما را به آخرت راغب سازد.